



علم حضوری

علم حضوری، به معنای **علم** به ذات معلوم بدون واسطه **صورت ذهنی** بوده و مرتبه بالاتر از **علم حصولی** قرار دارد.

فهرست مندرجات

۱ - تعریف

۲ - رتبه علم حضوری

۳ - موارد علم حضوری

۴ - نکته مهم

۵ - پانویس

۶ - منبع

تعریف

در اصطلاح فلسفی علم بر دو قسم است: ۱. علم حضوری، ۲. **علم حصولی**.
علم حضوری یعنی علمی که عین واقعیت معلوم پیش **علم** (**نفس** یا اندرآکننده دیگری) حاضر است و عالم شخصیت معلوم را می‌یابد؛ مانند **علم** نفس به ذات خود و حالات وجدانی و ذهنی خود. به بیان دیگر، علم حضوری عبارت است از این‌که حصول علم برای عالم محتاج به واسطه قرار دادن چیز دیگری نباشد. به بیان سوم، علم حضوری عبارت از حضور **نفس شیء** برای شیء دیگر است. به این جهت است که گفته‌اند علم حضوری همان علمی است که عین معلوم خارجی است.

[۱] ر. ک: سبزواری، ملاحادی، شرح المنظومه، ص ۱۴۲ - ۱۴۳، دار العلم، بی‌جا، بی‌تا.
[۲] اردبیلی، عبدالغنی، تقریرات فلسفه امام خمینی، ج ۱، ص ۳۸۴ - ۳۸۹، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.

در علم حضوری مطابق تعریف بالا علم و معلوم یکی است؛ یعنی وجود علم عین وجود معلوم است و انکشاف معلوم پیش عالم به واسطه حضور خود معلوم در نزد عالم است، و از این جهت این علم را «حضوری» می‌نامند.

رتبه علم حضوری

علم حضوری مرتبه بالاتر از علم حصولی است؛ چرا که در اینجا خود معلوم در پیشگاه عالم حضور دارد، نه نقش و صورتش. **علم حق تعالی** به ذات خود، علم موجودات مجرد مانند **ملائکة** به ذات خود و علم نفوس ناطقه انسانی (چون مجرد هستند) به خود، علم حضوری است. علمی که **انسان** به خود دارد، همان چیزی که با «من» از آن تعبیر می‌کنند، نه با «تن». «من و تن، قلب و قالب با یکدیگر فرق می‌کنند؛ یعنی آنچه که با «من» به آن اشاره می‌کنند، علم حضوری است که در آنجا در حقیقت علم و عالم و معلوم یکی است؛ یعنی خود معلوم در پیشگاه عالم حضور دارد؛ برای این‌که شیء فاقد خودش نیست.

[۳] انصاری شیرازی، یحیی، دروس شرح منظومه، ج ۱، ص ۹۰، بوستان کتب، قم، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.

موارد علم حضوری

شایان توجه است که علم حضوری به علم **مجرد** به ذات خویش منحصر نیست، چنان‌که مشائین معتقدند،
[۴] طوسی، خواجه نصیرالدین، شرح اشارات، ج ۲، ص ۳۸۴ - ۳۸۵، البلاغة، قم، چاپ اول، ۱۳۷۵ ش.
بلکه علم حضوری در سه مورد است:

۱. **علم مجرد**؛ مانند علم نفس به ذات خویش بدون این‌که صورتی از نفس در نفس تولید شود که آن صورت کیف باشد و نفس از آن منفعل گردد، و بین **نفس** و آن صورت اضافه محقق شود، بلکه نفس پیوسته به **وجود** و ذات خود عالم است و عالم غیر از علم نبوده، بلکه عین علم است.
 ۲. قسم دوم از اقسام علم حضوری، علم **علت** به **معلول** خویش است که معلول پیش علت حضور دارد.
 ۳. قسم سوم، علم هر مجردی به مجرد دیگر است، اعم از این‌که آن مجرد از معالیل او باشد یا نه.
- [۵] سبزواری، ملاحادی، شرح المنظومه، ص ۱۴۲ - ۱۴۳، دار العلم، بی‌جا، بی‌تا.

نکته مهم

در مورد این‌که آیا صدا که صورت ذهنی ندارد، از موارد علوم حصولی است یا حضوری؟ باید در نظر داشت منظور از صورت ذهنی فقط شکل و عکس نیست، بلکه مقصود هر چیزی است که بتواند نشانگر و حاکی از چیز دیگر باشد؛ اعم از این‌که شکل و عکس باشد، یا مفهوم انتزاعی و یا غیر آن. خلاصه این‌که همان‌گونه که بیان شد، اگر عین واقعیت معلوم پیش عالم حاضر باشد، علم حضوری است؛ اما اگر چنین نباشد علم حصولی است. در این صورت علم به صدا نیز می‌تواند علم حضوری باشد؛ مثلاً آن‌جا که شخص در حال خواندن سرود است یا صدایی را مستقیماً می‌شنود. و گاهی علم به صدا علم حصولی است؛ مانند این‌که شخص صدایی را که قبلاً شنیده الان به خاطر می‌آورد. در این‌جا با این‌که صدای خارجی وجود ندارد و صدا نیز شکل و عکس دارد با این وجود صورت و تصویری از آن در ذهن باقی مانده است به این مفهوم و صورت باقی مانده از آن صدا علم حصولی می‌گویند.

پانویس

۱. ↑ ر. ک: سبزواری، ملاهادی، شرح المنظومه، ص ۱۴۲ - ۱۴۳، دار العلم، بی‌جا، بی‌تا.
۲. ↑ اردبیلی، عبدالغنی، تقریرات فلسفه امام خمینی، ج ۱، ص ۳۸۴-۳۸۹، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چپ اول، ۱۳۸۱ش.
۳. ↑ انصاری شیرازی، یحیی، دروس شرح منظومه، ج ۱، ص ۹۰، بوستان کتاب، قم، چپ اول، ۱۳۸۳ش.
۴. ↑ طوسی، خواجه نصیرالدین، شرح اشارات، ج ۲، ص ۳۸۴-۳۸۵، البلاغه، قم، چپ اول، ۱۳۷۵ش.
۵. ↑ سبزواری، ملاهادی، شرح المنظومه، ص ۱۴۲ - ۱۴۳، دار العلم، بی‌جا، بی‌تا.
۶. ↑ اردبیلی، عبدالغنی، تقریرات فلسفه امام خمینی، ج ۱، ص ۳۸۴-۳۸۹، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چپ اول، ۱۳۸۱ش.

منبع

[بایگ‌گاه اسلام کوئیت، برگرفته از مقاله «علم حضوری»، تاریخ باز یابی ۱۳۹۶/۳/۲۷.](#)